



گفت و گو با

امیر خادم علیزاده*

🗨️: به نظر حضرت عالی بایسته ها و اقتضائاتی که برای یک رسانه

حوزوی و دارای رسالت تبلیغ دینی مذهبی انتظار می رود، چیست؟

● جواب کامل به این سؤال، نیازمند مطالعه تاریخی گسترده ای است، ولی باید قبول کنیم که گرچه رسانه های دینی از سر اخلاص به ارائه معارف دینی پرداخته اند، اما نسبت به سایر رسانه ها از جاذبه های کم تری برخوردار بوده اند. نسبت به حجم زیاد رسانه ها و با توجه به این که بسیاری از رسانه ها توانسته اند از آمار و یا دیگر ابزارها بهره بگیرند، متأسفانه پاره ای از مجله ها و مطبوعات دینی، از رویکرد ضعیف و شعاری استفاده می کنند. اما آن گاه که عالمانه به طرح شبهه ها و پاسخهای مستند و کارشناسی شده در حوزه دین برخاسته اند، تحسین غیرمتدینین را نیز برانگیخته اند.

* از دانش آموختگان حوزه درس حضرات آیات: وجدانی فخر، اعتمادی، پایانی، ستوده و اشتهاوردی در دوره سطح و حضرات آیات: وحید خراسانی، میرزا جواد تبریزی، فاضل لنکرانی، دوره خارج فقه و اصول. مدرس حوزه. تدریس کتابهای: سیوطی، مغنی، حاشیه ملاعبده الله، منطق مظفر، معالم، اصول مظفر، شرح لمعه و... پژوهشگر علوم اقتصادی در چهارچوب دروس دانشگاهی. استاد دروس معارف در دانشگاه تهران. تدریس دروس تخصصی، همچون اقتصاد خرد و کلان، بخش عمومی، روش تحقیق مبانی فقهی اقتصاد اسلامی. تفسیر آیات اقتصادی، پول و بانکداری...

از سوی دیگر، در عصر حاکمیت دین در این کشور اسلامی و حضور رسانه‌های دیگری مثل صدا و سیما، شبکه قرآن و شبکه معارف و... نشریه‌های دینی، باید حساب شده‌تر از گذشته به طرح مسائل و مباحث دینی بپردازند و از تکرار آن نوع ادبیات دینی که واقعاً ملال‌آور و مخاطب‌گریز است، پرهیزند.

همچنین اگر مخاطبان، شبهات و مسائل نوظهور در حوزه فرهنگ دینی را از جاهای دیگر بشنوند و رسانه‌های دینی این مخاطبان را در پاسخ‌گویی و مواجهه درست با این مسائل یاری نکنند، آینده بد و تاریکی در انتظار این رسانه‌ها تصور می‌شود.

اساساً، هرگاه رسانه خواسته‌های مخاطبان را برآورده نکند، آنها را از دست می‌دهد و رسانه مهجور می‌شود.


🔖 : جناب عالی، با توجه به همین بایسته‌ها، رویکرد مجله حوزه

را در دو دهه انتشار چگونه ارزیابی می‌کنید؟

● بیست سال پیش، در شرایطی که تقریباً هیچ نشریه علمی با این ویژگیها، حوزویان را مورد خطاب قرار نمی‌داد، انتشار مجله حوزه جرقه‌امیدی در دل حوزویانی بود که به آینده حوزه می‌اندیشیدند و آرمانهای بلند دینی را در نظر داشتند.

بنده از همان ابتدا، واقعاً در انتظار انتشار شماره‌های این نشریه (که به صورت دو ماهنامه منتشر می‌شد) بودم تا حرفها و حدیثهایی را بیابم و به راهی که در حوزه علمیه قم آغاز کرده بودم، امیدوارتر شوم و آینده را روشن‌تر ببینم. بدون اغراق، در آن روزهای آغازین و روزهای فقدان نشریات تخصصی در حوزه دین، واقعاً این کار، یک قدم گستاخانه و گام بایسته‌ای بود که طلاب و فرزندان را به رسالت خودشان فرامی‌خواند و علیه جمود و تحجر و تنسک فریاد برمی‌آورد و مبارزه می‌کرد.

بنابراین، مجله حوزه، وظیفه اصلی رسانه بودن را به خوبی در بر داشت و از این حیث بر سایر نشریات حوزه (به استثنای یکی دو تا از نشریات قبل از انقلاب) تقدم دارد.


 به نظر شما، رویکرد مجله حوزه در استفاده و بهره گیری از

تکنیک ها و ابزارهای تبلیغی مدرن چگونه بوده و از این حیث چه

برتریهایی نسبت به نشریات سنتی داشته است؟

● مجله حوزه در تبلیغ افکار دینی، با پرهیز از رویکرد روزمرگی خوشبختانه رویکرد «شعارآفرینی» را دنبال کرده که گام مثبتی است. اما در استفاده از ابزار تبلیغی مدرن، وضعیت مطلوبی نداشته و ایده آل نبوده است.

من فکر می کنم، مجله حوزه در عصر IT و ICT و اینترنت در پی شیوه های جدیدتری باید باشد. به خصوص که مخاطبان دیروز و امروز به اندازه تفاوت زمانی دو دهه، تفاوت دارند. اگر مجله حوزه، دیروز از مناہج فقهی و اصولی می نوشت - که خیلی هم خوب بود - امروزه علاوه بر آنها از حقوق معنوی و کپی رایت (Copy Right) و تجارت دیجیتال (E. Commerce) و مسائل فراوان نوظهور در عرصه فقه پزشکی و شاخه های جدیدی که دیدگاه و منظر دین را می خواهد نیز باید سخن به میان آورد. همان طور که باید مناہج و شیوه های جدید اجتهاد را در ادامه بحث مفید سالهای گذشته، یعنی درباره تجزی در اجتهاد را دنبال کند.

 طبیعی است که مجله حوزه همانند دیگر نشریات از ابتدا برای خود

هدف و اهدافی قائل بوده و برای رسیدن به اهداف تلاشهایی داشته است.

شما به عنوان ناظر یا خواننده و مخاطب نشریه این تلاشها را چگونه دیده اید؟

● در مقایسه با اهداف، انصافاً تلاش زیادی صورت پذیرفته است. اگرچه نسبت به شماره‌های اولیه گاه‌ها از عمق و محتوا کاسته شده و یا شاید شاهد تکرار در مباحث باشیم، ولی باز جایگاه خود را تا اندازه زیادی حفظ کرده است. البته در طول چند سال گذشته در شماره‌های زیادی مسائل اخلاقی مطرح شده است که من هم خواننده این مطالب بوده‌ام. مثلاً در شماره‌های اخیر به رویکرد نوین طرح مسائل اخلاقی اشاره شده که موضوع جالبی است. این مجله گران سنگ که علی‌رغم تعدد نشریه‌ها در حوزه‌ها، همچنان جایگاه خود را حفظ کرده است. در بیان آفات علم و عالم و فضاهای غیر حوزوی که می‌تواند، برای حوزویان تهدیدکننده باشد، موفق بوده است.

در باز شناساندن چهره‌های ماندگار فقه و اصول و حدیث و قرآن، به طور برجسته موفق عمل کرده و واقعاً تلاش‌های خوب صورت گرفته است. در بیان مناهج فقهی و گاهی آسیب‌شناسی و ارائه تحلیلهای فرهنگی، تاریخی، سیاسی برای اهل حوزه موفق بوده است.

اما به نظر من، در بیان شیوه‌های مدرن و امروزی تحقیق که اکنون در جهان مطرح و کاربرد دارد و در بیان شیوه‌های جدید متدولوژی و روشهای تحقیق، طلاب را راضی نکرده است.

در بیان و معرفی و آشنایی طلاب با علوم غیر حوزوی مرتبط، به طور کامل کاری صورت نگرفته و از برخی عرصه‌ها که توضیح خواهم داد غفلت شده است که امیدوارم در این وادی نیز، گامهای مثبتی در آینده برداشته شود.

همچنین بایسته است که مجله حوزه شیوه‌های جدید تدریس و تحصیل در حوزه‌ها و دگرگونیهای لازم در نظام آموزشی حوزه‌ها را بنمایاند و از این استعدادهای انبوه و پاک و مخلص در حوزه‌ها به طور کارآمدتر استفاده شود؟

چرا که با یک نظام کارآمد در حوزه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی که دیگر گرفتاریها و دشواریهای بسیار قبل از انقلاب (مثل مسائل امنیتی رژیم شاهنشاهی و...) برای حوزویان وجود ندارد، انتظار ظهور شخصیهایی مانند امام خمینی، شهید مطهری و... بیش تر می رود و بویژه این که مخاطبان امروزه حوزویان، فراتر از مرزهای جغرافیایی ایران است. و اگر از سرچشمه زلال وحی که عمدتاً در حوزه هاست، سیراب نشوند، سرخورده و مأیوس می شوند و دین و اهل دین هم، به ناکارآمدی و عدم پاسخ گویی متهم.

در بیان آرا همچنان باید از افراط و تفریط پرهیز کرد و بر مسلک تحقیق و انصاف به طرح انتظار و نقد سره از ناسره پرداخت، تا اعتماد مخاطبان خدشه دار نشود.

📖 : همان گونه که می دانید، مجله حوزه در سالهای اخیر، به ارائه

مباحث موضوعی روی آورده و شماره های زیادی را با این روش منتشر

کرده است. جناب عالی، این روش را تا چه اندازه موفق دیده اید؟

● یکی از تحولات مجله در سالهای اخیر، ارائه موضوعی مباحث است که دانشنامه ای از فرهنگ دینی را برای حوزویان به ارمغان آورده است. ولی ضمن تنوع بخشیدن به نویسندگان از انعکاس و تکرار متون درسی به جای تحقیق به طور جد باید پرهیز گردد و در عصر اینترنت Communication یا ارتباطات و سرعت زیاد پخش و انتشار شبهات جدید در عرصه دین در سطح دنیا، همچنان باید فاصله خودمان را با زمان کم تر کنیم و این مسأله برای آینده مجله فوق العاده مهم است.

📖 : به نظر حضرت عالی، جای چه مباحثی در مجله حوزه خالی است؟

● اگر عزیزان دست اندرکار مجله حوزه، به ارائه گزارشهای تحقیقی جامع و گسترده‌ای در زمینه مناہج فقهی، اصولی و علوم قرآن و حدیث و اخلاق و... می‌پردازند - که در جای خودش شایسته و بایسته است - جا دارد به مباحث اقتصادی در حوزه دین نیز بپردازند.

وظیفه رسانه متعهد و کارآمد و به‌روز، این است که به این خلأهای موجود در فرهنگ و دین بپردازند. این طور نباشد که در حوزه‌های علمیه هزاران دانش‌آموخته فقه و اصول داشته باشیم؛ اما آشنایان به فقه اقتصادی که بتوانند در عصر حاکمیت دین و در آستانه هزاره سوم بعد از میلاد، اندیشه‌های اقتصادی اسلام را از نصوص و متون دینی و منابع اولیه اسلام، بخصوص قرآن و سنت و روایات اهل بیت (ع) به مردم ارائه کنند، به عدد انگشتان دست باشد.

به نظر بنده، مجله حوزه در این زمینه توفیق کمی داشته است. این مجله وزین بارها در بسیاری از زمینه‌ها مثل مسالک اخلاقی و عرفانی به شکل‌های سنتی و جدید آن پرداخته است، اما معتقدم از این عرصه مهم غفلت شده و اگر گاهی مطلبی هم انعکاس یافته ضعیف بوده است و حال آن که رجوع به صاحب نظران و متخصصان، در همه زمینه‌ها یک حکم قطعی و عقلی است.

اگر مجله وزین حوزه چنین حساسیتی را در حوزه‌ها برنینگیزاند، شاید قاطبه مخاطبان به اهمیت پرداختن به این موضوعات پی نبرند.

به نظر بنده چون مخاطبان به اهمیت پرداختن به چنین موضوعاتی حساس نشده‌اند، لذا یک عدم تناسب در رویکرد طلاب مستعد و علاقه‌مند نسبت به علوم انسانی در حوزه دین مشاهده می‌کنیم. وظیفه مجله حوزه است که این حساسیتها را افزایش دهد.

📌 : توصیه مشخص حضرت عالی در این باره چیست؟

● من توصیه می‌کنم که از نویسندگان و اهل قلم دلسوز و فاضلی استفاده شود که علاوه بر شناخت نظام آموزشی سنتی در حوزه، نظام علوم جدید در دانشگاه را هم فرا گرفته و به معنای درست و کامل اهل حوزه و دانشگاه باشند. بخصوص طی مسیر بی بدیل شهیدان بی نظیری همچون شهید مطهری و شهید مفتح، برای تحقق شعار مهم وحدت حوزه و دانشگاه، که حضرت امام بر آن تکیه داشتند، بدون شناخت نزدیک دانشگاه و علوم دانشگاهی تصویری است که از ناآشنایان به حوزه و دانشگاه سر می‌زند.


و چه خوب است که این رسانه، بهره‌گیری از اندیشه‌ها و دیدگاه‌های آشنایان و نویسندگان به حوزه و دانشگاه را، که در عرصه‌های گوناگون اثرگذار بوده‌اند، جدی بگیرد.

و مایه این بحث‌های موضوعی مفید مجله حوزه، گزاره‌های علوم جدید را، دست کم، در علوم انسانی هم، شامل شود. به نظر من، اهل قلم در آشنا و متعهد حوزوی، که دانشگاه دیده نباشد، در عمل نمی‌تواند با نوشته‌هایش چنین قشری را راضی کند و یا خیلی استثناست و چه بسا چنین مخاطبانی، در عین حال که تشنه حقیقت و به دنبال پیام‌های دینی و اندیشه‌ها و دیدگاه‌های دینی، در حاشیه علوم انسانی جدید هستند، سراغ مجله‌هایی بروند که شاید از دانش دینی کافی برخوردار نباشند.

و نکته دیگر این که: از آن‌جا که از حدود ۳۰ سال پیش، بسیاری از ژورنالیست‌ها به انتشار مطالب بر روی لوح فشرده (CD) پرداخته و اخیراً سایتهای اینترنتی را راه‌اندازی کرده‌اند، دست‌اندرکاران این نشریه هم، از این ابزار مهم و مؤثر بهره بگیرند، تا مخاطبان خود را در سطح دنیا، از

فرآورده‌های فکری خود بی نصیب نگذارند.

من معتقدم عدم استفاده از این تکنولوژی مدرن برای مجله‌ای که از شماره‌های اول تاکنون، به صورت یک گنجینه نفیس ظاهر شده و حاصل قلم اهل تحقیق در طول این دو دهه بوده، یک خلأ است.

 : علاوه بر ویژگی‌هایی که مجله حوزه تاکنون توانسته برای خود

کسب کند، چه ویژگی برجسته دیگری می‌تواند داشته باشد که در

شرایط حاضر از آن برخوردار نیست؟

● به نظر من، چنین مجله پیشاهنگی، که روزی در اوان انتشار و در دوران

ابتدای حاکمیت حکومت اسلامی، بذر امید را در دل طلاب جوان و با نشاط

می‌پاشید و اکنون پس از ۲۰ سال هنوز شمع پر نورش می‌درخشد و حرف‌های

فراوانی برای گفتن دارد، جا دارد که امتیاز علمی و پژوهشی را از وزارت

علوم، تحقیقات و فن‌آوری کسب کند که هم به ارتقای سطح علمی خودش

کمک می‌کند و هم مخاطبان حوزوی-دانشگاهی را که علاوه بر حوزه، از

نزدیک دستی در علوم دانشگاهی دارند، باز هم با خودش همراه می‌کند.

این مجله پیشتاز، همچنان باید از سیاست‌زدگی و روزمرگی بپرهیزد و

همچنان با شعور آفرینی که تاکنون انجام می‌داده است، نقش بشارت و نذیر

بودن را دنبال کند و همچنان بر اهداف اولیه پای بند باشد که حیات و مانایی

رسانه‌ها در عصر تنوع آنها حرکت بر مسیر وسطی است:

«اليمين والشمال هي المصلحة والطريق الوسطی هي الجاده.»

آرزوی موفقیت برای شما و دست‌اندرکاران مجله دارم.